

فصلنامه علمی-پژوهشی آیین حکمت

سال نهم، زمستان ۱۳۹۶، شماره مسلسل ۳۴

آثار نظری و عملی نظریه وجود رابط در حکمت متعالیه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۵/۸

تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۸/۲۴

* مرضیه ورمزیار

** مجید ابوالقاسم زاده

وجود رابط یکی از ره‌آوردهای مهم حکمت متعالیه است که صدرالمتألهین توانسته به وسیله آن، تغییر شگرفی در نظام فلسفی اش به وجود آورد و حکمتش را بدان تعالی بخشد. ملاصدرا براساس مبانی فلسفی اش - همچون: اصالت وجود و اعتباریت ماهیت، تشکیک وجود و تغییر مناط نیاز معلول به علت براساس وجود و نه ماهیت - وجود رابطی را به رابط ارتقا داده و گستره رابط را به کل هستی (ماسوی الله) توسعه داده است. در پرتو این نظریه که بر شالوده امکان فقری استوار است، در کنار دستاوردهای جدید فلسفی که در پی دارد، مباحث فلسفی حکمای گذشته نیز با نگاهی جدید بازخوانی می‌شود. از سوی دیگر، مشی انسان در سیر به سوی کمال سرعت و تعالی می‌یابد و انسان از ساحت ملک به ملکوت نزدیک می‌گردد. در سایه اعتقاد به وجود رابط است که انقطاع از خلق رخ خواهد داد، روح اعتماد و امید در آدمی تقویت می‌یابد و به مقام توکل دست می‌یابد، توکل و اعتمادی که نگرانی را از او دور و قلبش را

* دانشجوی دکتری اخلاق اسلامی دانشگاه معارف اسلامی قم.

** استادیار دانشگاه معارف اسلامی.

به ساحل آرامش می‌رساند. این نوشتار بر آن است تا دستاوردهای نظری و عملی این نظریه مهم فلسفی را بررسی و استنباط نماید.

واژگان کلیدی: وجود رابط، امکان فقری، ماهیت، برهان صدیقین، علت،

ملاصدرا.

مقدمه

«رابط»، از نظر منطقی، به رابطه میان طرفین قضیه در قضایا گفته می‌شود که وجودش قائم به آنها است و از خود، وجود منحاز و مستقلی ندارد. قدر مسلم این رابطه رابط میان موضوع و محمول در قضایای حملیه است. البته، می‌توان آن را به رابط میان دو طرف قضیه شرطیه متصله، یعنی مقدم و تالی – که از نوع پیوستگی و تلازم است – بسط و توسعه داد. معانی حرفی نیز از سنخ وجود رابط‌اند.

و به طور قطع می‌توان گفت: این بحث منطقی دستکم از زمان معلم ثانی، البته نه با عنوان رابط که با عنوان رابطی، مطرح بوده است. (فارابی، ۱۴۰۵ق: ۵۰) فارابی و حکمای مشایی پس از وی، این وجود را قسمی از تقسیمات وجود دانسته‌اند که جز معانی حرفی و عوارض و صور نوعیه را دربرنمی‌گیرد. (ابن سینا، ۱۴۰۴ق: ۱۴)

سهروردی نیز، براساس نظام فلسفی‌اش که مبتنی بر نور و ظلمت است، همین شیوه را در پیش گرفت. (سهروردی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۱۷)

محقق میرداماد دو قدم فراتر از گذشتگان حکمت برداشت. وی اصطلاح رابط را جعل نموده، از رابطی تفکیک داد و تنها معانی حرفی را در قسم رابط نهاد و عوارض و صور نوعیه را رابطی نامید. (استرآبادی، میرداماد/الفبی تا: ۱۹۸)

وی برای تمامی ممکنات، حتی جواهر مادی و معنوی، وجودی عرض گونه در مقابل وجود حق تعالی قایل شد. (استرآبادی، میرداماد/بیبی‌تا): ج ۲: ۱۱۶-۱۱۷) ملاصدرا، با ابتکاری نو و چه بسا با تأثیر و الهاماتی از گذشتگان حکمت، دایره وجود رابط را به کل ماسوی الله ارتقا بخشید و وجود مستقل را منحصر به حضرت حق نمود. (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱م، ج ۴: ۲۳۲) این نظریه دستاوردهای نظری اثرگذاری را در پی داشت.

این نوشتار بر آن است تا این دستاوردها را هم در حوزه نظر و هم در حوزه عمل بررسی، استنباط و تحلیل نماید.

۱. مفهوم‌شناسی

رابط، از ریشه «ربط»، در کتاب‌های لغت به معانی متعددی آمده است که می‌توان از همه آنها به یک معنای مشترک دست یافت. معنای غالب آن عبارت است از: «چیزی که ارتباط به وسیله آن انجام می‌شود». (الفراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۷: ۴۲۲؛ الجوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۱۱۲۷؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۴۷۸؛ ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۷: ۳۰۲؛ الفیروزآبادی، بی‌تا، ج ۲: ۳۶۰-۳۶۱؛ الزبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰: ۲۵۹)

رابط، در اصطلاح منطقی، به رابطه میان طرفین قضیه در قضایا گفته می‌شود که وجودش قائم به آنها است و از خود، وجود منحاز و مستقلى ندارد. قدر مسلم این رابطه رابط میان موضوع و محمول در قضایای حملیه است و البته، می‌توان آن را به رابط میان دو طرف قضیه شرطیه متصله، یعنی مقدم و تالی - که از نوع پیوستگی و تلازم است - بسط و توسعه داد. از نظر فارابی، وجود رابط، به رابط میان موضوع و محمول در کان ناقصه که ملاک وحدت و اتحاد در وجود است گفته می‌شود (فارابی، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ۲۵-۲۶؛ ابن سینا، ۱۴۰۴ق: ۱۴۵) و گاهی، با

اندک تغییری، از نسبت میان موضوع و محمول که شایستگی صدق و کذب دارد و به اعتبار آن نسبت، قضیه قضیه می شود با لفظ رابط یاد می شود. (سهروردی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۲۵) وجود رابط، در این معنا، مقابل وجود محمولی یا مستقل در بحث مواد ثلاث است. (استرآبادی، [میرداماد] (الفبی تا): ۱۹۸) و اما ملاصدرا، در نگاه ابتدایی، هم عقیده با حکمت مشاء است. (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱م، ج ۱: ۳۳۰)، لکن در نگاه دقیق، وجود رابط را بحثی در مقابل وجود مستقل، محمولی یا فی نفسه در مباحث مواد ثلاث می داند. (همان، ج ۲: ۲۳۲)

وجود رابط در اصطلاح فلسفی معنایی ویژه دارد. در این نگاه، اطلاق «وجود» به ماسوی الله از سر اضطرار است، زیرا ممکنات منسوب به واجب الوجودند و در وجود، عین ربط و تعلق به مبدأ هستی اند. (فارابی، ۱۴۰۵ق: ۵۰) و در جایی دیگر، فلاسفه از آن به «رابطی»، که همان معنای حرفی است، یاد نموده و آن را غیر از وجودهای ناعتی، یعنی اعراض و صور نوعیه، و وجود نفسی، یعنی واجب الوجود و ممکنات از جواهر تائمه مجرد و ماده که معانی اسمی اند، دانسته اند. (ابن سینا، ۱۴۰۴ق: ۱۴) گاهی حکمی برایش مشخص نمی نمایند (سهروردی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۱۷) و به اعتبار حاکمیت نظام نور و ظلمت آن را ظلمت می خوانند. ملاصدرا، برخلاف نظرات ذوقی حکمای گذشته در تقسیم موجودات به فقیر و غنی، وجود رابط را به کل ماسوی الله ارتقا و بسط داده و در مقابل آن، وجود مستقل را منحصر به ذات حضرت حق نموده است. (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱ق، ج ۴: ۲۳۲)

۲. وجود رابط از نگاه صدرالمتألهین

ملاصدرا، در قدم نخست، وجود رابطی را دارای دو معنا می داند و با حکمای

مشایی مشی می‌کند:

معنای اول مقابل وجود محمولی است که وجود شیء فی نفسه در مباحث مواد ثلاث است. وی این معنا را، به خلاف نسبت حکمیه که در تمام عقود جاری است، در حملیات از نوع هلیات مرکبه ایجابیه تعریف می‌نماید. لازم به ذکر است که ملاصدرا معتقد است که نسبت حکمیه در قضایای سالبه وجود ندارد، زیرا آنچه در قضایای سالبه شاهدش هستیم ربط سلب است، نه سلب ربط. معنای دوم معنای ناعتی است که تحقق شیء فی نفسه است، فی نفسه‌ای که لذاته نیست، همچون وجود قیوم مستقل، بلکه قائم به چیز دیگری است، همچون اعراض.

در معنای اول وجود رابطی، مفهوم تعلقی و وابسته‌ای مورد نظر است که نمی‌توان آن را مستقل تعقل و فرض نمود و آن معانی حرفی است، لکن در معنای دوم، وجود رابطی مفهوم مستقلی است و معانی اسمی دارد، به خلاف اضافه محض.

صدرالمتألهین معتقد است: اشتراک لفظی وجود رابطی بر هر دو باعث مغالطه اشتراک لفظ است. از این رو، از معنای اول به رابط و از معنای دوم به رابطی یاد می‌نماید، همان وجود شیء برای موجدش. در این نگاه، و در همراهی با حکمت مشاء، تقسیمات اولی تغییرات اساسی می‌یابد:

- وجود به وجود فی نفسه و فی غیره، شامل معانی اسمی و حرفی
- وجود فی نفسه به وجود لِنفسه و لغيره، شامل جواهر و اعراض
- وجود فی نفسه لِنفسه به وجود فی نفسه لِنفسه بنفسه و وجود فی نفسه لِنفسه بغيره، شامل وجود واجب الوجود و جواهر از ممکنات. (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱ق، ج: ۱، ۷۸-۹۰؛ جوادی آملی، (الف ۱۳۸۶)، ج: ۱، ۵۳۱)

در قدم متوسط ملاحظه ملاحظه - که نظریه فلسفی ایشان همین است و ناظر به رسالت این نوشتار - ملاحظه ملاحظه برای ممکنات، وجود فی نفسه قایل است، لکن نه به نحو استقلالی که در نگاه نخست مشائی مطرح بود و مغایر با وجود حق است، بلکه وجود معلول فی نفسه ای که عین تعلق به علت است. مطابق با این قدم، تقسیمات ثانوی رخ می نمایند که در این تقسیمات، تقسیم لنفسه از فی نفسه لنفسه بغیره حذف شده و به صورت فی نفسه بغیره باقی می ماند که به ترتیب شامل معانی حرفی، ناعتی، جواهر از ممکنات و واجب الوجود خواهد بود.

در این تقسیم، ملاحظه ملاحظه وجودهای حرفی، ناعتی، جواهر از ممکنات را جملگی به رابط و واجب الوجود را به مستقل تعبیر می نماید، زیرا برای وجود ممکنات از جواهر و اعراض نیز، وجود بسیار ضعیفی باقی مانده است که از آن به وجود فی نفسه یاد می شود و تنها با وجود فی غیره از این حیث متفاوت است. (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱ق، ج ۴: ۲۳۲)

در نگاه عالی و نهایی ملاحظه ملاحظه که ناظر به ظهور است، بحث از فلسفه خارج می شود و به عرفان ورود می یابد. این بحث، اگرچه در فضای عرفانی، جایگاه خاص و ارزشمند خود را دارد و تا حدودی محققان به آن پرداخته اند، مورد نظر این نوشتار نیست.

۳. آثار نظری وجود رابط

تقسیم وجود به رابط و مستقل از سوی صدرالمتألهین افق های تازه ای را به روی آیندگان باز نمود. آنچه در پی خواهد آمد ناظر به دستاوردهای نظری این نظریه است.

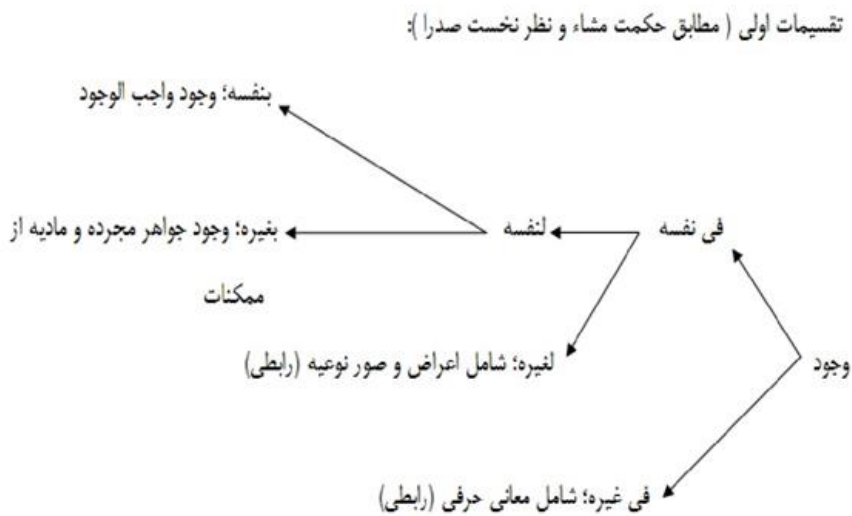
۳-۱. تغییر در تقسیمات وجود

نظر مشهور حکمای پیش از صدرا در تقسیمات وجود بر تقسیم وجود به دو

دستهٔ نفسی و رابطی است، که محقق میرداماد، جهت جلوگیری از مغالطهٔ اشتراک لفظ، جعل اصطلاح رابط نمود و آن را به نفسی، رابطی و رابط ارتقا داد. ملاصدرا نیز، پس از وی، وجود را به نفسی (مستقل) و رابط تقسیم کرد. در تقسیم مشهور حکمای پیش از صدرا، که ایشان هم در گام نخست با آنها هم‌سویی دارد، وجود فی نفسه شامل وجود واجب و وجود ممکنات از جواهر مجرد و ماده است و رابطی شامل معانی حرفی و وجودهای ناعتی همچون عوارض و صور نوعیه است.

نمودار این تقسیم به صورت زیر است (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱م، ج ۱: ۷۸-

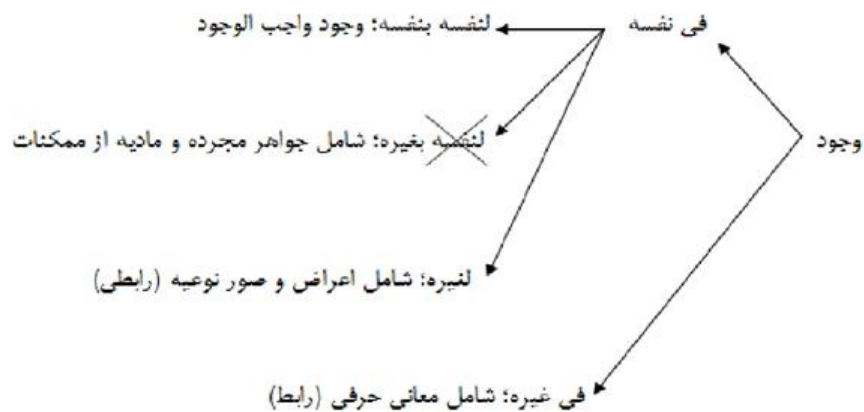
۹۰):



تغییری که در تقسیم دوم و اصلی ملاصدرا صورت گرفت حذف وجود
لنفسه از ممکنات است، یعنی وجود فی نفسه لنفسه لغیره به وجود فی نفسه لغیره

تغییر کرده است. در حقیقت، ملاصدرا همه عالم را از جهت نیاز به حق رابط دانسته و تنها خداوند را مستقل و بی نیاز معرفی نموده است. با این تغییر ماهوی در تقسیمات صدرا، وجود به شکل زیر تقسیم می شود (همان، ج ۴: ۲۳۲):

تقسیمات ثانوی (مطابق با نظر فلسفی صدرايي):



۳-۲. ارتقای امکان ماهوی به فقری

همچنانکه گذشت، وقتی وجود لنفسه از تقسیم ممکنات حذف شد، بساط ماهیت نیز از آنها برجیده خواهد شد و رابط بودن ماسوای واجب مجالی برای ماهیت باقی نخواهد گذشت. (جوادی آملی، (ب) ۱۳۱۶، ج ۲: ۳۰۹-۳۱۰)

امکان ماهوی صفت ماهیت است و امکان فقری وصف وجود. اصالت وجود و تشکیک وجود، این دو مبنای مهم فلسفه صدرايي، امکان این امکان را فراهم می آورد. (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۱۵-۱۹۰)

در تفاوت امکان ماهوی و فقری می توان به این موارد اشاره کرد (شکر، ۱۳۱۹):

(۱۴۲):

- امکان ماهوی شأن ماهیت است و امکان فقری شأن وجود؛
 - نیاز ملازم امکان ماهوی نیست، به خلاف امکان فقری؛
 - امکان ماهوی مجرد از علت وجود تعقل می شود، در حالی که امکان فقری
 جز با وجود مستقل تعقل شدن نیست؛
 - امکان ماهوی تشکیک پذیر نیست، زیرا لازمه ماهیت است، به خلاف امکان
 فقری؛

- بر پایه امکان ماهوی، وجود به چهار دسته فی نفسه لِنفسه بنفسه، فی نفسه
 لِنفسه بغيره، فی نفسه لغيره، و فی غیره تقسیم می شود و بر اساس امکان فقری به
 دو وجود مستقل و رابط؛
 - امکان ماهوی مجامع ضرورت ذاتی نیست و امکان فقری عین ضرورت
 ذاتی است؛

- امکان ماهوی حیثیت تقیدیه دارد و امکان فقری حیثیت تعلیلیه؛
 - امکان ماهوی وصفی خارج از ماهیت و در مرتبه متأخر از آن است و امکان
 فقری وصف خود وجود رابط و عین حقیقت آن است.

۳-۳. تغییر ماهیت وجود رابط (ورود وجود رابط از مفاهیم ماهوی به معقولات ثانی

فلسفی)

با حذف وجود لِنفسه از وجود ممکنات، ماهیت هم حذف خواهد شد و
 وجودی که تا پیش از این با ماهیت خود جزء مفاهیم ماهوی یا معقولات اولی
 شمرده می شد، با حذف ماهیت و فقط باقی ماندن وجود، به معقولات ثانی
 فلسفی بدل خواهد شد. (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۱: ۳۳۳-۳۳۴)

۳-۴. تغییر مناط احتیاج معلول به علت

حکمای مشایی ماهیت را محتاج به علت و سبب احتیاج ماهیت به علت را

امکان دانسته‌اند. اصالت وجود و اعتباری بودن ماهیت واقعی است که انتقال از ماهیت و امکان ماهوی به وجود و امکان فقری را ضروری می‌سازد، زیرا بر مبنای اصالت وجود، ماهیت از موارد جعل، افاضه، علیت و نظایر آن خارج است و جز به تبع وجود محقق نمی‌شود. فقر به وجودی مرتبط است که ماهیت از محدوده آن انتزاع می‌شود و برای اثبات احتیاج آن به سبب و علت دیگری که خارج از ذات باشد نیازمند نیست، اما ماهیت - همان‌طور که ذات آن از هستی و نیستی بی‌بهره است و هیچ‌گاه از رایحه وجود بهره نمی‌برد مگر در ظرف وجود - از فقر و غنا نیز بی‌نصیب است و جز به تبع وجود و هستی متصف به احتیاج نمی‌گردد. (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۸۵-۱۹۰)

ملاصدرا با عبارت واضحی نشان می‌دهد که ملاک احتیاج به علت را نباید در ماهیت جستجو کرد. وی معتقد است: وجود یا وابسته به موجود دیگری است یا وابستگی ندارد؛ اگر وابستگی نداشته باشد، مستقل است، لکن اگر وابستگی داشته باشد، این وابستگی یا به جهت حدوث است یا به جهت امکان و یا به جهت ماهیت. تمام این سه فرض باطل است و باید علت وابستگی را در امر دیگری دنبال نمود. علت بطلان فرض‌های مذکور به شرح زیر است:

- با تحلیل مفهوم حدوث (وجود بعد از عدم)، سه امر حاصل می‌شود: عدم پیشین، وجود و تحقق وجود بعد از آن عدم. عدم به خودی خود چیزی نیست که بخواهد صلاحیت وابستگی به چیز دیگری را داشته باشد. وجود بعد از عدم نیز از لوازم ضروری و ذاتی چنین امری و غیر قابل جعل است. تنها فرض ممکن این است که وجود وابسته به چیز دیگری باشد.

- امکان ماهوی امری اعتباری و سلبی است، زیرا امکان ماهوی به معنای سلب ضرورت وجود و عدم از ماهیت است و امر سلبی و اعتباری نمی‌تواند

دلیل نیاز به علت و ملاک و وابستگی چیزی به چیز دیگر باشد.
 - ماهیت نیز سبب احتیاج به علت نیست، زیرا ماهیت امری است اعتباری و امر اعتباری نمی تواند دلیل احتیاج به علت باشد.

ملاصدرا، بعد از ابطال این سه فرض، ملاک نیاز به علت را امری غیرماهوی می داند و سبب نیاز به علت را وجود شیء معرفی می کند. پیش از این گفته شد که امکان فقری را اصالت وجود و اعتباریت وجود فراهم می آورد. اگر بخواهیم، مستقیم، از راه امکان فقری، تغییر مناط احتیاج معلول به علت را شرح دهیم، باید بگوییم: امکان فقری وصف وجود است، نه ماهیت، و چون وجود از ماهیت به سبب حذف وجود لافسه از وجود ممکنات تهی می گردد، جایی برای امکان ماهوی باقی نمی ماند تا ملاک نیاز باشد. هر چه هست وجود است و نیاز نیز از خود وجود است. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰: ۳۵-۳۶)

۳-۵. اقامه برهان بر امتناع تسلسل علل نامتناهی

به سلسله علل بی پایان، تسلسل نامتناهی گفته می شود و این تسلسل زمانی باطل خواهد بود که اجزاء آن سه شرط زیر را داشته باشند: موجودیت بالفعل، اجتماع در وجود، و ترتب علی و معلولی.

و اما اقامه برهان براساس رابط بودن معلولات که از مبانی صدرا به دست می آید و علامه طباطبایی به این برهان تمسک می جوید و می آورد از این قرار است:

«وجود معلول نسبت به علت خویش رابط است، به گونه ای که قوام آن جز به آن علت نیست. علت نیز وجود مستقلی است که قوام معلول به آن است. اگر علت این وجود معلول خود نیز معلول علت دیگری باشد و به همین شکل ادامه یابد و به علت غیرمعلول و مستقل غیررابط ختم نگردد، هیچ کدام از اجزاء سلسله

محقق نخواهد شد، زیرا تحقق وجود رابط بدون وجود مستقل محال است. از آنجاکه وجود معلول استقلال ندارد، این سلسله بی انتها نخواهد بود، زیرا تحقق وجود رابط مستلزم تحقق وجود مستقل است. اگر سلسله ای از روابط بدون مستقل فرض شود، مستلزم تحقق رابط بدون مستقل است. فرقی ندارد این سلسله منتهای باشد یا غیرمنتهای.»

به عبارت روشن تر، رابط بودن معلولات مستلزم تسلسل منتهای نیز نخواهد بود، زیرا اگر علت تحقق رابط سؤال شود و در پاسخ، وجود رابط دیگری ذکر گردد، سؤال به رابط دیگری منتقل نمی شود، بلکه همان سؤال نخست به قوت خود باقی است.

تسلسل زمانی اتفاق می افتد که رابط دارای ذاتی مستقل باشد و بتواند به طور مستقل، پاسخ علت رابط دیگری باشد، لکن فرض این است که وجود رابط عین فقر است و هیچ استقلالی ندارد. بنابراین، اولین پاسخ علت تحقق رابط به منزله آخرین پاسخ آن است، پاسخی که جز با وجود مستقل صحیح نخواهد بود. از این رو، زمینه ایجاد سلسله منتهای یا غیرمنتهای باقی نمی ماند. با این بیان، وجود سلسله دوری نیز منتفی می شود، به این دلیل که دور دستکم مستلزم دو طرف است، در حالی که وجود رابط - که یک معنای حرفی است - هرگز طرف واقع نمی شود. در تسلسل نیز چنین است، یعنی دو طرف موجود نیست تا میان آنها واسطه ای فرض شود. (جوادی آملی، الف ۱۳۸۶)، ج ۲: ۱۳۲ - ۱۳۴)

۳-۶. تقریر برهان صدیقین بر اساس وجود رابط

محکم ترین برهان در اثبات ذات واجب الوجود برهانی است که بدون واسطه، به ذات حق بر می گردد و حدّ وسط در آن نیز جز واجب الوجود نیست. صدر المتألهین این برهان را برهان صدیقین می داند. (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱م، ج ۶:

(۱۳) و خداوند خودش دلیل بر هستی اش است: «شَهَدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ»
(آل عمران: ۱۸).

تقریرات مختلفی از این برهان انجام گرفته است که به مناسبت بحث در حکمت متعالیه به تقریر ملاصدرا بر اساس وجود رابط و مستقل می پردازیم.
مبانی این تقریر:

أ. اصالت وجود و اعتباریت ماهیت

ب. مراتب داشتن وجود یا تشکیک خاص میان علت و معلول، به گونه ای که معلول استقلال از وجود هستی بخش خود ندارد

ج. بالاخره، ملاک نیاز معلول به علت بر اساس ربط و تعلق وجود آن به علت و، به عبارت بهتر، ضعف وجودی آن که هیچ گونه استقلالی ندارد.

شرح تقریر به این است: مراتب وجود به استثناء عالی ترین مرتبه آن که دارای کمال نامتناهی، بی نیازی و استقلال مطلق است، عین ربط و وابستگی است و اگر آن مرتبه تحقق نمی یافت، سایر مراتب هم محقق نمی شد، زیرا لازمه فرض تحقق سایر مراتب بدون تحقق عالی ترین مرتبه وجود این است که این مراتب مستقل و بی نیاز از آن باشد، لکن روشن است که حیثیت وجودی آنها عین ربط و فقر و نیاز است. (همان، ج ۶: ۱۵)

در بیانی روشن تر، این تقریر بر مبانی زیر استوار است:

أ. اصالت وجود

ب. تشکیک وجود

ج. تقسیم وجود به رابط و مستقل.

و تقریر آن نیز بدین شکل خواهد بود: هر موجودی یا مستقل است یا رابط.

در صورت نخست، مدعا ثابت است. در صورت رابط بودن نیز، مطلوب حاصل است، زیرا اگر وجود مستقل تحقق نداشته باشد، وجودهای رابط و وابسته، به طریق اولی، هستی نخواهند یافت. وجود رابط، در حقیقت، عین ربط به مستقل است.

۳-۷. اثبات توحید صفاتی، ربوبی و افعالی براساس وجود رابط

۳-۷-۱. تقریر برهان بر توحید صفاتی از طریق برهان صدیقین بر اساس وجود رابط: این تقریر، علاوه بر وحدانیت حق، سایر صفات حق را نیز ثابت می‌کند، زیرا هر وصف کمالی در وجودهای تعلقیه نهاده شده است، در حقیقت، از آن وجود واجب و مستقل مطلق است. معنای مستقل جز با یکتایی درست در نمی‌آید. فرض مستقل مطلق دیگر، علاوه بر آنکه استقلال را به شکل اطلاق از هر دو طلب می‌نماید، لازم می‌آید هرکدام کمال خاص دیگری را نداشته باشد و، لذا، در حصول آن کمال، بی‌نیاز از غیر نباشد، یعنی وجود مستقل جای خود را به وجود وابسته دهد. با این بیان، توحید واجب معنای روشن‌تری می‌یابد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۳۷۲)

۳-۷-۲. تقریر برهان بر توحید ربوبی از طریق وجود رابط: با اثبات توحید ذاتی از طریق وجود رابط، می‌توان به وحدت در ربوبیت نیز دست یافت، زیرا با روشن شدن این مطلب که ممکنات تعلق ذاتی به ذات حق دارند و قوامشان به اوست، ذات حق فقط افاضه‌کننده وجود نخواهد بود، بلکه منشا آثار نسبت‌ها و روابط میان آنها نیز خود اوست، زیرا آثار معلولات جدای از آنها نیست و همان طور که ذات حق مفیض ذات آنها است، مفیض آثار آنها نیز خواهد بود. از این رو، یگانه مالک و مدبر آنها نیز خواهد بود. معلولات استقلالی از خود ندارند تا مالک و مدبر امور خود باشند و این همان معنای رب العالمین است.

(طباطبایی، ۱۴۱۶ق: ۱۵۹)

۳-۷-۳. تقریر برهان بر توحید افعالی از طریق وجود رابط: در عرصه وجود، همچنان که مبدئی جز ذات حق نیست، مؤثری غیر او نیز فرض نمی‌شود، زیرا مطابق اصل علیت، هر علتی که معلولی را ایجاد می‌نماید علت آثار او نیز واقع می‌شود. معلول جز ربط و وابستگی به علت حقیقت دیگری ندارد. از این رو، هیچ اثری وجود ندارد مگر آنکه خداوند مؤثر حقیقی آن است. (همو، ۱۳۸۸، ج ۳: ۶۷۷-۶۷۸)

قرآن این تقریر را با بیان زیر تصدیق می‌فرماید: «أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً» (بقره:

۱۶۵) و «لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» (کهف: ۳۹)

۳-۸. وجود رابط و قدرت مطلق خداوند

قدرت عبارت است از مبدئیت برای انجام فعل از روی علم و اختیار؛ از آنجاکه ذات حق مبدأ فاعلی تمام موجودات است و علم به نظام اصلح دارد و ذاتاً در افعالش دارای اختیار است و نیز بازگشت ممکنات به سوی اوست، ذات احدیت دارای قدرت ذاتی است. (طباطبایی، ۱۴۱۶ق: ۱۶۷)

با استفاده از وجود فقری در اثبات قدرت برای ذات حق، می‌توان گفت: ممکنات معلول حق هستند و عین ربط به علت خود. به بیان دیگر، معلولات جز از طریق وجود مستقل تحقق نمی‌یابند و این وجود نیز جز واجب الوجود نیست. از این رو، ذات حق منشأ صدور تمام وجودات معلول و ممکن است که به او ربط و تعلق دارند و این همان معنای شمول قدرت الهی بر تمام هستی است. (همان:

۱۶۸)

قرآن نیز در این باره می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (بقره: ۳).

۳-۹. تمهیدی برای ورود به بحث وحدت وجود عرفانی

اگرچه در نگاه ملاصدرا، وجود رابط بعد از حذف لئفسه از تقسیمات

ممکنات (جوهر) به ضعیف‌ترین حد خود می‌رسد و ماهیت از آن رخت بر می‌بندد، لکن از وجود خالی نمی‌شود. ملاصدرا در این نظریه فلسفی خود گامی فراتر از حکمای مشایی برداشت و از این پل فلسفی برای ورود به عرفان، مدد گرفت. (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱م، ج ۱: ۳۳۰)

ملاصدرا، پس از قایل شدن به وجود فی‌نفسه بغیره برای جوهر ممکن، وجود فی‌نفسه را نیز از آنها حذف نمود و اساساً، ممکنات را تا حد معانی حرفی که تنها وجود فی‌غیره دارند تنزل داد، که تعبیر وجود در اینجا خالی از مسامحه نیست. (امینی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۱۲) در این مرحله، ممکنات نه وجود که ظهور واجب‌اند، عین ربط به واجب‌الوجودند. تنها یک وجود در عالم است و آن وجود حضرت حق است و این همان معنای وحدت شخصی وجود است.

یادآوری این نکته لازم است که هر اثری که در آن اثر، ممکن از وجود تهی گردد و آیتی از حق لحاظ شود، از محدوده آثار این نظریه فلسفی خارج و در فضای بحث عرفانی وارد می‌شود، همچون:

- حل مشکل حادث و قدیم
- حل مشکل ثابت و متغیر
- حل مشکل علم تفصیلی خداوند به ممکنات و جزئیات آنها
- تقدم بالحق به جای بالعلیه
- جایگزینی ظهور به جای وجود
- و نظایر این‌ها که در همه آنها، یکی از مقدمات براهین فرض ظهور بودن ممکنات است.

و حال آنکه بحث ما در فضای حکمت است و هنوز از بحث وجود و نظام

علیت خارج نشده‌ایم، اگر چه فقر وجودی به بیشترین حد رسیده است. برای روشن شدن مطلب، تنها به یک نمونه بسنده می‌شود: در بحث از آثار وجود رابط گفته شده است که وجود رابط به مشکل حادث و قدیم پایان می‌دهد و در شرح آن آمده است که وقتی ممکنات ظهور و شأن واجب الوجود باشند، دیگر جایی برای وجود دومی در کنار ممکنات باقی نمی‌ماند تا از حادث بودن آن سخن گفته شود و سبب طرح اشکال نحوه ارتباط حادث و قدیم گردد، حال آنکه نمی‌توان مسئله را با وجود یا به عبارتی با «بود» آغاز و مطرح نمود و با ظهور یا با «نمود» پرداخت و حل نمود.

۴. آثار عملی نظریه وجود رابط

ارتقای آثار عملی از تقویت در حوزه نظر حاصل می‌شود که بر مبانی اصول اساسی حکمت متعالیه - همچون اصالت وجود، تشکیک وجود، حرکت جوهری، اشتداد و تضعف وجود - استوار است.

باید به این مهم توجه داشت که برخی آثار عملی می‌تواند هم در حوزه فلسفه و هم در حوزه عرفان مطرح شود. این حقیقت از آنجا نشئت می‌گیرد که برخی آثار قطعاً مراتب دارد و مراتب عالی و نهایی آن به عرفان مرتبط می‌شود. و نیز نباید از این نکته غفلت نمود که آثار برشمرده شده تنها مترتب بر این نظریه نیست بلکه براساس نظریه وجود رابط، این آثار بسیار بهتر قابل درک و تحقق است.

این آثار به شرح زیر است:

۴-۱. احساس نیازمندی هر آن به حضرت حق

فقر و عالم آنچنان در هم تنیده شده که اثبات یگانگی عالم با فقر نظیر اثبات

یگانگی صفات کمال با ذات الهی است. (جوادی آملی، الف ۱۳۸۶)، ج ۳: ۲۱۶) در سایه اعتقاد به وجود رابط و تعمق در معنای آن، این باور قلبی انسان به مرحله عمل می‌رسد و نیک در می‌یابد که هیچ ندارد و عین فقر به ذات غنی و مستقل حق است، فقری که هر لحظه و هر آن ادامه دارد و به روایت ملاصدرا، حتی به قدر یک چشم بستن. ایشان بین این نیاز ممکن در حدوث و در بقا فرقی نمی‌بیند. (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱ م، ج ۱: ۲۱۹) بی سبب نیست که مولای متقیان امام علی علیه السلام در مناجات خود با ذات حضرت حق می‌فرماید: «مَوْلَايَا يَا مَوْلَايَا أَنْتَ الْغَنِيُّ وَأَنَا الْفَقِيرُ» (مفاتیح الجنان) و قول خداوند است که فرمود: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر: ۱۵). (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱ م، ج ۲: ۲۱۴)

۲-۴. انقطاع از خلق و اتصال به حق

آنکه خود را و بلکه همه عالم را وجود رابط می‌داند که همگی عین نیازند هرگز به دامن وجودهای رابط دیگر برای رفع نیاز توسل نمی‌جوید؛ زیرا می‌داند که او نیز چون خودش فقر محض است و فقیر از فقیر چه طلب نماید؟! این معرفت او را به ناامیدی از آنچه در دست مردم است وامی‌دارد و تمام اهتمام و توجه خود را متوجه یک وجود خواهد کرد که بی نیاز و مستقل است، و تعلق قلبش همواره به او خواهد بود. (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱ م، ج ۲: ۲۱۶)

۳-۴. تبدیل ساحت امکان به صحنه توحید افعالی

رابط محض قابل لحاظ استقلالی نیست مگر در صحابت وجود مستقل. امکان فقری وجود رابط آنچنان تحولی در نگرش انسان به هستی ایجاد می‌کند که ذرات وجودش شهادت خواهند داد که همه کاره عالم خداوند است و بی اذن او برگی بر زمین نخواهد افتاد. (جوادی آملی، اندیشه‌های نو بر مبنای حکمت متعالیه)، به

نقل از سایت اسراء)

۴-۴. دعا و مسئلت حقیقی و مدام

در حکمت متعالیه، چهرهٔ آنان که رابطهٔ خدا و خلق و انسان با خالق هستی را از نوع رابط و مستقل نمی‌بینند به صورت زیر ترسیم شده است:

- از یاد پروردگار روی گردان‌اند؛
- ذکر خدا را فراموش می‌کنند؛
- از خواندن و صدا زدن حق غافل‌اند؛
- مشغول به ماسوی‌الله و اغراض دنیوی‌اند؛
- خدا را از روی بیهودگی یا ریاکاری می‌خوانند؛
- جز در شداید و از سر اجبار و اکراه او را طلب نمی‌کنند؛
- در سردرگمی و حیرانی می‌مانند؛
- از پروردگار دور و از معرفت او جاهل‌اند؛
- در دنیا کور و گمراه و، در نتیجه، در آخرت هم کور و گمراه خواهند بود.

و ملاصدرا از کسانی که مقابل این اعتقاد را دارند، یعنی رابطهٔ خدا و خلق را از نوع مستقل و رابط می‌دانند، به «موحدین» یاد می‌نماید. قطعاً چهرهٔ مقابل آنچه گفته شد از صفات و ویژگی‌های اینان است، که دعا و مسئلت دائم و از سر نیاز و حقیقی از آن جمله خواهد بود. (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱م، ج ۲: ۲۱۶)

۴-۵. یاد خدا و آرامش قلب

آن که خود را در هر آن نیازمند به حق می‌داند نمی‌تواند حتی لحظه‌ای از یادش غفلت ورزد، بلکه قلبش همواره متعلق و در گرو پروردگارش است و قطعاً از اثرات این یاد آن است که خداوند نیز از او یاد می‌کند و خود به آن وعده داده است که «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ» (بقره: ۱۵۲) و قلبش را طمأنینه خواهد بخشید:

«أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸). (همان)

۴-۶. تکیه رابط به مستقل، پشتوانه‌ای متین و مستحکم

داشتن یک پشتوانه محکم قدرت انسان را برای حرکت در مسیر پرتلاطم زندگی مضاعف می‌نماید، زیرا ضعف خود را همواره در کنار قدرتی مطلق که سرمایه‌های گرانقدری، همچون علم، حکمت و رحمت بی‌پایان دارد مشاهده می‌نماید. (همان)

۴-۷. تقویت روحیه امیدواری و تلاش

آن که پیشش به ذات قدرتمند حق گرم و قلبش هر آن به حق متعلق است و اعتصام به حبل‌الله دارد هرگز دچار یأس نمی‌گردد و از جهاد بازمی‌ایستد. ناملایمات برایش هموار و سختی‌ها در چشمش آسان می‌گردد. او «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (انشراح: ۶) را از عمق جان می‌پذیرد و مجاهدانه قدم برمی‌دارد و «لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» (عنکبوت: ۶۹) را می‌بیند و شعارش همواره «إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» (یوسف: ۸۷) است. (همان)

۴-۸. قرب به حق

هرچه انسان نیاز خود به حق را بیشتر درک کند و باور کند که خودش هیچ است و هرچه هست اوست و از آن اوست، قربش به حق بیشتر خواهد بود. حق به او نزدیک است، حتی اگر او از حق دور افتاده باشد: «وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» (ق: ۹۹)، خود و همه عالم را محاط و ذات حضرت حق را محیط بر همه عالم خواهد یافت، آن‌گونه که چیزی را نمی‌بیند مگر آنکه حق را قبل از آن دیده باشد، همچنان که امام پرهیزگاران فرمود: «مَا رَأَيْتُ شَيْئًا إِلَّا وَرَأَيْتُ اللَّهَ قَبْلَهُ» (مازندرانی، ۱۴۲۱ق، ج ۳: ۱۳). (همان)

۴-۹. زنده شدن روح، هدایت قلب و نجات از مهالک

در ظلّ مصاحبت با مستقلّ حیّ است که فقیر میت زنده می‌شود و زندگی می‌یابد و، به تعبیر سهروری، این وجود رابط ظلمانی که از نور بهره‌ای ندارد از نور فی نفسه حق احیا می‌شود، هدایت می‌یابد و از تاریکی هلاکت رهایی می‌یابد. (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱م، ج ۲: ۲۱۶)

۴-۱۰. توکل

اعتقاد به استقلال ذات حق وکیل قرار دادن او در همه امور را به دنبال دارد. تصور عامیانه آن است که خداوند پس از اعطای عقل، قوت، قدرت و پیشبرد امور را به خود انسان واگذار کرده است. در چنین فضایی، شکل‌گیری توکل مشکل می‌نماید اما برای آنکه خود را رابط محض می‌داند و اینکه یک لحظه قطع این ارتباط با وجود حق، به قول صدرا، برابر هلاکت و نابودی است، وارد شدن به مقام توکل دور از انتظار نیست. او، به تدریج، به حقیقت «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (طلاق: ۳) خواهد رسید و «وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا» (نساء: ۸۱) ورد جانس در هر صبح و شام خواهد بود. (همان)

۴-۱۱. تفویض

وقتی خداوند وکالت امور انسان را برعهده گرفت، خواهد دید که خداوند بهترین تدبیرها را در وکالت داشتنش بر می‌گزیند. اینجاست که به این باور می‌رسد که نه تنها تدبیر امور را به او بسپارد بلکه اساساً درک خواهد نمود که آنچه ملک خود تصور نموده ملک او نیست؛ فقر محض را با ملک و مالکیت چه کار؟! حق را صاحب و مالک عالم می‌یابد و مالکیت همه چیز را به صاحب حقیقی اش وامی‌گذارد که این ورود در مقام تفویض است و خداوند از زبان آدمی با دل و جان فرمود: «وَأَفْوُضُ أُمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» (غافر: ۴۴)

(صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱م، ج ۲: ۲۱۶)

نتیجه گیری

نظریه وجود رابط و مستقل از ابتکارات فلسفی صدرالمتألهین است که دستاوردهای مهم نظری و به دنبال آن عملی به همراه آورده است. در این نوشتار، پس از طرح حقیقت وجود رابط از زمان فارابی تا ملاصدرا که در آن مقدمات منطقی اجتناب ناپذیر می نمود، به بیان این دستاوردها پرداخته شده است. دستاوردهای نظری وجود رابط عبارت است از: تغییر در تقسیمات وجود، ارتقای امکان ماهوی به فقری، تغییر ماهیت وجود رابط، تغییر مناط احتیاج معلول به علت، تقریر جدیدی از برهان صدیقین بر اساس وجود رابط و مستقل، اقامه برهان بر امتناع تسلسل نامتناهی از طریق وجود رابط و مستقل، اثبات توحید صفاتی، ربوبی و افعالی بر اساس وجود رابط و مستقل، استدلال بر قدرت مطلق خداوند با محوریت وجود رابط و مستقل، و وجود رابط تمهیدی برای ورود به بحث عرفانی ظهور.

دستاوردهای عملی وجود رابط عبارت است از: احساس نیازمندی هر آن به ذات حق، انقطاع از خلق و اتصال به حق، تبدیل ساحت امکان به صحنه توحید افعالی، دعا و مسئلت حقیقی و ذکر مداوم، ذکر خدا و آرامش قلب، تقویت روحیه امید و تلاش، تکیه به پشتوانه ای متین و مستحکم، زنده شدن روح، هدایت جان و نجات از مهالک، قرب به خدا، توکل و تفویض.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- مفاتیح الجنان.
- ابن سینا (۱۴۰۴ق). التعلیقات، تحقیق عبدالرحمان بدوی، بیروت: مکتبه الاسلامیه.
- ابن فارس زکریا (۱۴۰۴ق). ابو الحسین احمد، معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبد السلام محمد هارون، قم: مکتبه الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵ق). لسان العرب، قم: ادب حوزة.
- استرآبادی، محمدباقر بن محمد [میرداماد] (الفبی تا). الافق المبین، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- _____ (ببی تا). مجموعه مصنفات، به اشراف عبد الله نورانی، تهران: بی نا.
- امینی نژاد، علی (۱۳۹۱). «آثار تربیتی وجود رابطی صدر المتألهین»، در: مجموعه مقالات روز جهانی فلسفه ۲۰۱۰، تهران: مؤسسه علمی پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۴). «اندیشه‌های نو بر مبنای حکمت متعالیه»، به نقل از سایت اسراء: www.portal.esra.ir مجموعه مقالات فلسفی، تاریخ دسترسی ۱ / ۹ / ۱۳۹۴.
- _____ (۱۳۹۰). تبیین براهین اثبات خدا، تحقیق حمید پارسانیا، چ ۶، قم: اسراء.
- _____ (الف ۱۳۸۶). ریحی مختوم، چ ۳، قم: اسراء.
- _____ (ب ۱۳۸۶). سرچشمه اندیشه، چ ۳، قم: اسراء.
- الجوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق). الصحاح، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، چ ۴، بیروت: دارالعلم.

- الزبیدی، محمدبن محمد مرتضی (۱۴۱۴ق). تاج العروس، تحقیق علی شیری، بیروت: دارالفکر.
- سهروردی، شهاب‌الدین یحیی (۱۳۷۵). مجموعه مصنفات، تصحیح هانری کربن، سیدحسین نصر و نجفقلی حبیبی، چ ۲، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- شکر، عبدالعلی (۱۳۸۹). وجود مستقل و رابط، قم: بوستان کتاب.
- صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم (۱۳۶۰). الشواهد الربوبية في مناهج السلوكية، تحقیق سیدجلال‌الدین آشتیانی، چ ۲، مشهد: مرکز جامعی للنشر.
- _____ (۱۹۸۱ق). الحکمة المتعالیة، چ ۳، بیروت: دار إحياء التراث.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۸). نهاية الحکمة، چ ۵، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- _____ (۱۳۸۹). اصول فلسفه و روش رئالیسم، چ ۱۸، قم: صدرا.
- _____ (۱۴۱۶ق)، بدایة الحکمة، چ ۱۴، قم: جامعه مدرسین.
- فارابی، ابونصر محمدبن محمد (۱۴۰۸ق). المنطقیات، تحقیق محمدتقی دانش‌پژوه، قم: مکتبه آیه‌الله المرعشی.
- _____ (الف ۱۴۰۵ق). الجمع بین رأی الحکیمین، تحقیق دکتر البیر نصرت نادر، چ ۲، تهران: الزهرا. از منابع حذف شد.
- _____ (۱۴۰۵ق). فصوص الحکم، تحقیق شیخ محمدحسن آل یاسین، چ ۲، قم: بیدار.
- الفراهیدی، الخلیل (۱۴۰۹ق). کتاب العین، تحقیق مهدی مخزومی، چ ۲، تهران: دار الهجرة.
- الفیروزآبادی، محمدبن یعقوب (بی تا). القاموس المحيط، بی نا.

- مازندرانی، مولی محمد صالح (۱۴۲۱ق). شرح اصول کافی، تحقیق ابوالحسن شعرانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸). تعلیقه بر نهاییه الحکمة، تحقیق عبدالرّسول عبودیت، ج ۲، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

